

اخبار

نماینده ایران در ژنو:

توانایی دفاع از خود را داریم

سفیر و نماینده دائم ایران در ژنو تأکید کرد که ایران توانایی دفاع از خود تا زمان توقف جنگ را دارد.

به گزارش روز شنبه ایرنا، علی بحرینی سفیر و نماینده دائم ایران در ژنو در گفت وگو با المابدین گفت: «آمدگی داریم که تا زمان توقف جنگ از ایران دفاع کنیم.

وی افزود: ما آمادگی ادامه نبرد نه تنها تا زمان توقف جنگ بلکه برای تضمین عدم تکرار تجاوز جدید علیه ایران را داریم. بحرینی تأکید کرد: ما می خواهیم به چرخه باطل «خشونت سپس مذاکره سپس توقف و بعد از آن حمله» پایان دهیم. وی درخصوص اظهارات ترامپ مبنی بر از بین بردن قدرت و توانایی های ایران خاطرنشان کرد: این ادعاها مبتنی بر دروغ های تلیفیق شده است. نماینده دائم ایران در ژنو گفت که ایران به لطف نیروی دریایی فعال و موثر خود توانست بر تنگه هرمز سیطره یابد. علی بحرینی تأکید کرد که ایران توانایی دفاع از خود را دارد و تمام توقعات دشمن از این جنگ شکست خورد. به گزارش ایرنا، تجاوز نظامی مشترک آمریکا و رژیم صهیونیستی علیه جمهوری اسلامی ایران که در پی آن آیت الله خامنه‌ای رهبر انقلاب اسلامی به شهادت رسیدند از بامداد روز ۹ اسفند ۱۴۰۴ (۲۸ فوریه ۲۰۲۶) آغاز شد؛ این اقدام در حالی صورت گرفت که مذاکرات غیرمستقیم میان ایران و آمریکا با میانجی‌گری برخی کشورهای منطقه در جریان بود.

تحلیلگران معتقدند این اقدام نشان داد که آمریکا در عمل پایبندی لازم به اصول گفت‌وگو، اعتمادسازی و حل‌وفصل مسالمت‌آمیز اختلافات ندارد و همچنان از گزینه نظامی به‌عنوان ابزار فشار سیاسی بهره می‌گیرد.

جمهوری اسلامی ایران در پی آغاز تجاوز نظامی مشترک آمریکا و رژیم صهیونیستی، پاسخی قاطع، هدفمند و متناسب به این اقدام ارائه داد. در چارچوب این پاسخ مشروع، موضوع نظامی و امنیتی رژیم صهیونیستی در شهرهای مختلف فلسطین اشغالی و همچنین پایگاه‌ها و مراکز استقرار نیروهای آمریکایی در منطقه با حملات موشکی، پهپادی و هوایی دقیق هدف قرار گرفت. مقامات رسمی جمهوری اسلامی ایران تأکید کرده اند این عملیات‌ها در چارچوب حق ذاتی دفاع مشروع طبق ماده ۵۱ منشور سازمان ملل متحد و با هدف بازدارندگی، جلوگیری از تداوم تجاوز و تحمیل هزینه به متجاوزان انجام شده است.

جمهوری اسلامی ایران هشدار داده است که هرگونه تداوم یا گسترش تجاوز، با پاسخی شدیدتر و گسترده‌تر مواجه خواهد شد.

آمریکایی‌ها را خشمگین شدند

توهم ترامپ درباره جنگ

رسانه آمریکایی پولیتیکو به گزارشی تأکید کرد که پست ترامپ در رسانه‌های اجتماعی، یک مانع بالقوه برای صنعت نفت است که رابطه پیچیده‌ای با رئیس جمهور آمریکا دارد.

گروه بین الملل خبرگزاری فارس، ترامپ روز چهارشنبه در یک پست اجتماعی در تروت سوشال نوشت: «ایالات متحده بزرگترین تولیدکننده نفت در جهان است، بنابراین وقتی قیمت نفت بالا می‌رود، ما پول زیادی به دست می‌آوریم.»

این پست در حالی منتشر شد که قیمت نفت، خام به دلار در هر بشکه افزایش یافت، که ۴۰ درصد بیشتر از قبل از حمله ایالات متحده و اسرائیل به ایران تقریباً دو هفته پیش بود.

پست ترامپ، رابطه پیچیده صنعت نفت با رئیس جمهور - و معمای پیام‌رسانی آن - را برجسته می‌کند. در حالی که شرکت‌های نفتی از افزایش تقریباً ۳۰ دلاری قیمت نفت خام از زمان شروع جنگ، از نظر مالی سود می‌برند، مدیران اجرایی نگران هستند که قیمت‌های ناپایدار، تصمیم‌گیری‌های تجاری‌راندشوار کرده‌وقیمت‌های بالا واکنش مردم را به دنبال داشته باشد. پیام ترامپ همچنین این برداشت را تقویت می‌کند که شرکت‌های نفتی به دنبال فریب مصرف‌کنندگان هستند. مارک میرزوچی، استاد دانشگاه میشیگان که بر رفتار اقتصادی و سیاسی شرکت‌های بزرگ آمریکایی فکر می‌کند، گفت: «بوست ترامپ همچنین به بدبینی برخی از رأی‌دهندگان نسبت به تجارت به طور کلی و صنعت نفت به طور خاص دامن می‌زند.»

میرزوچی گفت: «کنکته جالب در مورد بیانیه ترامپ این است که او ناخواسته باوری را بیان کرد که بسیاری از مردم دارند - اینکه چنین اتفاقی می‌افتد و شرکت‌های نفتی پول زیادی به دست خواهند آورد.» «احتمالاً به ذهن او خطور نکرده بود که مردم - از جمله در صنعت - از این بیانیه خوشحال نیستند.»

در جلسه شماره ۱۰۱۱۹ شورای امنیت سازمان ملل متحد (۱۱ مارس ۲۰۲۶)، قطعنامه ۲۸۷۵/RES (۲۰۲۶) به پیشنهاد بحرین (به نمایندگی از شورای همکاری خلیج فارس (GCC) و اردن) با ۱۳ رأی موافق، بدون مخالف و تنها دو رای ممتنع (چین و روسیه) تصویب شد.

به گزارش ایرنا این قطعنامه که رکورد بی‌سابقه ۱۳۵ کشور عضو سازمان ملل را به عنوان حامی مشترک (co-sponsor) شکست، حملات موشکی و پهپادی ایران به بحرین، کویت، عمان، قطر، عربستان سعودی، امارات متحده عربی و اردن را «به شدیدترین وجه ممکن» (in the strongest terms) محکوم کرد و آن‌ها را «حملات زشت و غیرقابل قبول» (egregious attacks) نامید.

فراتر از محکومیت، زبان حقوقی دقیق این قطعنامه به ویژه استفاده از کلمه « demands the immediate cessation» (تقاضا/الزام فوری به توقف فوری) و تعیین صریح «تهدید جدی برای صلح و امنیت بین‌المللی» (serious threat to international peace and security) — آن را به‌سندی استراتژیک تبدیل کرده که می‌تواند زمینه حقوقی محکمی برای فعال‌سازی فصل هفتم منشور ملل متحد (Chapter VII of the UN Charter) فراهم کند.

زبان الزام‌آور و پیوند مستقیم با منشور ملل متحد
طبق بیانیه مطبوعاتی سازمان ملل (۱۶۳۸/SC) و گزارش «What's In Blue» (چه چیزی در آبی است — سری گزارش‌های تحلیلی مستقل Security Council Report که به پیش‌نویس‌های نهایی قطعنامه‌ها اشاره دارد؛ وقتی متن به رنگ آبی چاپ می‌شود یعنی تقریباً نهایی و آماده رأی‌گیری است)، قطعنامه صراحتاً تعیین می‌کند (determines) که این حملات «نقض قوانین بین‌المللی» (breach of international law) و «تهدید جدی برای صلح و امنیت بین‌المللی» (serious threat to international peace and security) هستند.

این دو عبارت کلیدی، دقیقاً زبان ماده ۳۹ منشور ملل متحد است که شورای امنیت را برای تشخیص وجود «تهدید علیه صلح، نقض صلح یا عمل تجاوز» (serious threat to the peace, breach of the peace, or act of aggression) و فعال کردن فصل هفتم مجاز می‌کند.

علاوه بر این، قطعنامه از کلمه «demands (تقاضا/الزام فوری) استفاده کرده نه عباراتی مانند «calls upon» (فرامی‌خواند) یا «urges» (توصیه می‌کند) که صرفاً توصیه‌ای هستند. این زبان الزام‌آور، سابقه‌ی روشی در شورای امنیت دارد و پایه اقدام‌های شدید بعدی شده است.

نقش روند سکوت (silent procedure) در تسریع تصویب

بحرین پیش‌نویس اولیه را در ۶ مارس به جریان انداخت، سپس نسخه اصلاح‌شده را تحت silent procedure (روند سکوت یا روش سکوت) روش استاندارد شورای امنیت برای جلوگیری از مذاکرات طولانی و تغییرات ناخواسته قرار داد.

طبق این روش، اگر تا مهلت مشخص (صبح ۱۰ مارس) اگر هیچ عضو «سکوت را نشکند» (break the silence) متن بدون تغییر به نسخه نهایی (blue draft، پیش‌نویس آبی) می‌رود. چین و روسیه سکوت را شکستند و نظرات قبلی خود را تکرار کردند) با تأکید بر نیاز به اشاره به حملات آمریکا و اسرائیل به ایران و ایجاد «تعادل» در متن)، اما بحرین هیچ تغییری

پیامدهای احتمالی برای ایران چیست؟

پیام قطعنامه ۲۸۱۷ برای تهران

«قطعنامه ۲۸۱۷ (۲۰۲۶) بیش از محکومیت نمادین است و در صورت استمرار شرایط موجود از جمله نخستین گام‌های حقوقی استراتژیک برای تشدید فشارها به حساب خواهد آمد. چالش اصلی برای تهران مدیریت این اجماع جهانی بی‌سابقه و زبان الزام‌آور «demands» است.»



(بیشترین در تاریخ)، هرگونه قطعنامه آینده تحت فصل هفتم (ملاً تحریم‌های جدید تحت ماده ۴۱ یا مجوز اقدام نظامی تحت ماده ۴۲) را از نظر حقوقی و سیاسی بسیار محکم‌تر می‌کند و وتوی احتمالی را برای مخالفان پرهزینه می‌سازد.

سابقه تاریخی الزام فوری (Demands) و امکان ورود

به فصل هفتم منشور سازمان ملل متحد

در قطعنامه ۶۶۰ (۱۹۹۰) درباره عراق، شورای امنیت ابتدا «تعیین کرد» که حمله عراق به کویت «نقض صلح» است و سپس « demands that Iraq withdraw immediately and unconditionally all its forces» تقاضا کرد که عراق فوراً و بدون شرط همه نیروهای خود را خارج کند. این قطعنامه پایه و اساس قطعنامه‌های بعدی تحت فصل هفتم (از جمله ۶۷۸ می‌کند) که صرفاً توصیه‌ای هستند. این قطعنامه‌ها برای شورای امنیت « demands, in this context, that Iran shall suspend all enrichment-related activities and reprocessing activities» تقاضا کرد که

ایران همه فعالیت‌های مرتبط با غنی‌سازی و بافرآوری را متوقف کند. این قطعنامه تحت فصل هفتم تصویب و مستقیماً به تحریم‌های بعدی (قطعنامه‌های ۱۷۳۷، ۱۷۴۷ (غیره) منجر گردید.

قطعنامه ۲۸۱۷ هنوز مستقیماً تحت فصل هفتم تصویب نشده اما دقیقاً همان زبان تشخیص تهدید و الزام فوری را دارد و زمینه ورود به فصل هفتم را فراهم کرده‌است.

حمایت ۱۳۵ کشور؛ مشروعیت جهانی بی‌سابقه
رکورد ۱۳۵ حامی مشترک، این قطعنامه را از نظر سیاسی به یکی از قوی‌ترین موضع‌گیری‌های تاریخ شورای امنیت تبدیل کرده است. این سطح حمایت

بفایتی:

آمریکا، باز یگیری یاعی و تهدیدی برای صلح جهانی است

بقایئ همچنین تأکید کرد: «ما آغازگر این جنگ نبودیم. این جنگ، انتخاب ایالات متحده بود. آنها شاید به دلیل محاسبه اشتباه اسرائیل تصور کردند که می‌توانند ایران را به‌راحتی وادار به تسلیم کنند.»

وی درباره برنامه هسته‌ای ایران، نیز گفت: آمریکا و رژیم اسرائیل به‌خوبی می‌دانند که فعالیت‌های هسته‌ای تهران کاملاً صلح‌آمیز است و ادعای احتمال نظامی شدن این برنامه «دروغ بزرگی» است که طی سه دهه گذشته مطرح شده است.

بقایئ با تأکید براینکه تمایل تهران به تقویت روابط با کشورهای همسایه و حاشیه خلیج فارس است، تصریح کرد که امنیت و ثبات منطقه به میزان زیادی به همکاری میان کشورهای منطقه، وابسته است.

وی ادامه داد که ایران هیچ خصومتی با کشورهای منطقه ندارد و دلیل هدف قرار دادن پایگاه‌های آمریکایی در منطقه این است که این پایگاه‌ها در اطراف ایران پراکنده‌اند و توسط ایالات متحده برای انجام تجاوز نظامی علیه ایران مورد استفاده قرار می‌گیرند.

بقایئ افزود: کشورهای منطقه به‌خوبی دریافته‌اند که حضور نظامی آمریکا در منطقه نه‌تنها صلح و ثبات نباورده بلکه مشکلات بیشتری ایجاد کرده است.

وی با بیان اینکه آمریکا سابقه طولانی در اختلال در تجارت آزاد بین‌المللی دارد، تصریح کرد که واشنگتن بازیگری است که «بهبود

بیشترین در تاریخ)، هرگونه قطعنامه آینده تحت فصل هفتم (ملاً تحریم‌های جدید تحت ماده ۴۱ یا مجوز اقدام نظامی بعدی کشورهای خلیج فارس، آمریکا یا اسرائیل را با پوشش قانونی قوی‌تری توجیه کند.

۳. فشار دیپلماتیک و اقتصادی گسترده: محدودیت‌های جدید بر تجارت (به ویژه تنگه هرمز که تهدید آن محکوم شده)، پرونده‌های سنگین‌تر در مجامع دیگر (مانند مجمع عمومی یا دادگاه کیفری بین‌المللی در صورت اتهامات مربوط به غیرنظامیان)، ۴. هزینه سیاسی برای متحدان: روسیه و چین در صورت توثیق قطعنامه بعدی، با انزوای دیپلماتیک روبرو خواهند شد.

بهترین اقدام برای ایران در این وضعیت، تمرکز بر دیپلماسی فعال و چندجانبه است؛ بهره‌برداری از منتع ماندن روسیه و چین برای پیشبرد مذاکرات «متعادل» که ریشه‌های درگیری (از جمله حملات اولیه به ایران) را نیز پوشش دهد؛ تقویت هماهنگی با کشورهای غیرمتعهدهد و جنبش عدم تعهد برای برجسته کردن «یک‌جانبه بودن» قطعنامه؛ پیشنهاد ابتکارهای جدید دیپلماتیک (مانند میانجی‌گری عمان یا چین) برای بازگشت به میز مذاکره. این رویکرد نه تنها از تشدید حقوقی تنش جلوگیری می‌کند بلکه می‌تواند اجاع عملی را به نفع ایران تغییر جهت دهد و از تکرار الگوهای تاریخی (مانند عراق یا پرونده هسته‌ای) فاصله‌بگیرد.

قطعنامه ۲۸۱۷ (۲۰۲۶) بیش از محکومیت نمادین است و در صورت استمرار شرایط موجود از جمله نخستین گام‌های حقوقی استراتژیک برای تشدید فشارها به حساب خواهد آمد. چالش اصلی برای تهران مدیریت این اجماع جهانی بی‌سابقه و زبان الزام‌آور «demands» است.

اخبار

چرا اشغال جزایر اطراف تنگه هرمز توسط آمریکا یک ایده نشدنی است؟

روای خام آمریکایی

مالکوم نانسن، چهره اطلاعاتی سابق و عضو سابق ارشد در نیروی دریایی آمریکا در مطلبی با عنوان «سناریوی اشغال جزایر تنگه هرمز توسط تفنگداران آمریکایی» نوشت:

سوال: تفنگداران دریایی برای تنگه هرمز؟ اکنون ترامپ خواهان اعزام تنها ۲۵۰۰ تفنگدار دریایی است، احتمالاً برای تصرف جزایر واقع در تنگه هرمز. سریع‌ترین زمان ممکن برای رسیدن آن‌ها دو هفته است.

مشکل اساسی: فرماندهان نیروی خاورمیانه این سناریو را ۴۰ سال پیش شبیه‌سازی کردند و تخمین زدند که به ۶۰۰۰ تفنگدار دریایی به همراه تمامی تجهیزات نیاز است که در چندین جزیره پراکنده شوند.

طرح اولیه: برنامه این بود که ابتدا جزایر لارک، هرمز و هنگام (که به شکل کوسه است) / هنگام تصرف شوند تا بندرعباس به محاصره درآید. سپس با شکستن محاصره در تنگه هرمز، گروه‌های کوچک پیاده‌سازی شده برای یورش به تنب بزرگ و کوچک، ابوموسی، سیری و سپس کیش اقدام کنند. اما این عملیات دارای امضای شناسایی عظیم و قابل کشفی خواهد بود. چرا این کار را در سال ۱۹۸۸ انجام ندادیم، وقتی ایران سعی داشت با مین کشتی‌های ما را غرق کند؟

به این دلیل ساده که این به معنای حمله آمریکا به ایران خواهد بود. صدها هزار نیروی سپاه پاسداران و بسیجی از کوهستان‌های مشرف بر این جزایر به سمت آن‌ها شلیک کرده و حملات انتحاری ترتیب می‌داندند.

مشکل تدارکات: مسیر تدارکاتی باید از پایگاه‌های امارات و قطر تأمین می‌شد که خود هدف حملات بعدی قرار خواهند گرفت. ممکن است این کشورها با انجام این کار موافقت نکنند. در این صورت، زنجیره تدارکات از مسیر تنگه هرمز که منطقه‌های به شدت مورد مناقشه است عبور کند! این ديوانگی محض است.

چالش‌های تاکتیکی: یگان اعزامی تفنگداران باید شاورهای تهاجمی، خودروهای رزمی و هاورکرافت‌های خودرا از شرق شبه‌جزیره موسدنام، در دید مستقیم کوهستان‌های ایران و زیر آتش پهپادهای شمشاد، زبردربایی‌های بدون سرنشین، قایق‌های انتحاری بدون سرنشین و مین‌های کشف‌نشده در تنگه هرمز، به آب بیندازند. ما به اندازه کافی زرهپوش آبی-خاکی، شناورهای فرود یا هاورکرافت برای آوردن نیروی کافی به ساحل نداریم و آن نیروها شبانه‌روز زیر آتش توپخانه و پهپادهای انتحاری خواهند بود.

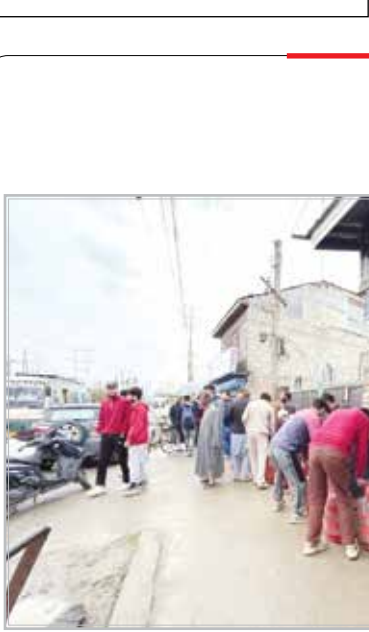
راه‌حل‌های پیشنهادی: اگر نتوانگون لطف کند و پایگاه دریایی پیشرفته (ESB) را از ایتالیا به اقیانوس هند بیاورد، حداقل نیروهای ویژه یک سکوی امن خواهند داشت… اما تاکنون حرکتی در این زمینه صورت نگرفته است. (توضیح: Expeditionary Sea Base (ESB) که به فارسی "سکوی دریایی اعزامی" یا "پایگاه دریایی پیشرفته" ترجمه میشود، یک کلاس از کشتی‌های نیروی دریایی ایالات متحده است که به عنوان یک پایگاه شناور و متحرک در دریا عمل می‌کند - ایده اصلی پشت این کشتی‌ها این است که نیروهای نظامی بتوانند بدون نیاز به پایگاه‌های خشکی در کشورهای دیگر، عملیات را از دل دریا انجام دهند).

سناریوی احقانه: این را هم اضافه کنید به پیشنهاد احقانه پرتاب چترپازان لشکر ۸۲ به‌داخل جزایر. اگر سپاه پاسداران بخواهد، این می‌تواند به نسخه آمریکایی نبرد هوستونل (فروگاه آنتونوف در اوکراین) تبدیل شود.

نتیجه‌گیری: تمام این مفاهیم یک ایده احقانه است که به نظر می‌رسد یک پاک‌سازی عجولانه برای جبران کمبود برنامه‌ریزی قبلی باشد. چون این برنامه‌ها باید ماه‌ها پیش آماده می‌شد!

آخرین وضعیت صادرات نفت از جزیره خارک

احسان جهانیان، معاون سیاسی استاندار بوشهر گفت: در حملات بامداد امروز شنبه ۲۳ اسفند دشمن آمریکایی، صهیونی، جزیره خارک، بخشی از تأسیسات نظامی و فرودگاه خارک آسیب دید. به گزارش ایرنا، معاون استاندار بوشهر تصریح کرد: روند صادرات نفت از پایانه نفتی خارک به‌طور کامل در جریان بوده و فعالیت شرکت‌های مستقر در این جزیره بدون وقفه ادامه دارد. با وجود این مسئله، وضعیت عمومی جزیره آرام است و زندگی و فعالیت‌های روزمره مردم خارک در نظم و امنیت کامل برقرار است. او ادامه داد: طبق گزارش‌های دریافتی، در این حمله هیچ آسیب‌جانی به نیروهای نظامی، کارکنان شرکت‌های نفتی و ساکنان جزیره وارد نشد و همه بخش‌ها در حال انجام مأموریت‌ها و فعالیت‌های روزمره خود هستند.



حملات موشکی، پهپادی و هوایی دقیق هدف قرار گرفت. مقامات رسمی جمهوری اسلامی ایران تأکید کرده اند این عملیات‌ها در چارچوب حق ذاتی دفاع مشروع طبق ماده ۵۱ منشور سازمان ملل متحد و با هدف بازدارندگی، جلوگیری از تداوم تجاوز و تحمیل هزینه به متجاوزان انجام شده است. جمهوری اسلامی ایران هشدار داده است که هرگونه تداوم یا گسترش تجاوز، با پاسخی شدیدتر و گسترده‌تر مواجه خواهد شد.